علمدار حاجی‌محمدعلیان[1]

محوطهٔ تاریخی سَپَرُوی نایین

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که نایین از مناطق مهم در دورهٔ ساسانیان بوده است. از جملهٔ آثار ساسانی در این منطقه محوطه‌ای است در روستای سپرو که نویسندهٔ مقاله در آن مطالعهٔ باستان‌شناختی کرده است. این محوطه دارای یک چهارطاقی با اندود گچ، قلعه‌ای سنگی، و صفه‌ای است که بناهایی بر آن بوده است. احتمال می‌رود که این محوطه مجموعه‌ای دینی و نظامی بوده باشد که جامعه‌ای کوچک در آن می‌زیسته‌اند.

دورهٔ ساسانیان از دوره‌های مهم تاریخ فرهنگ و معماری ایران‌زمین است. ساسانیان در دورهٔ ۴۲۶سالهٔ حکومتشان (۲۲۶-۶۵۲م) بناها و شهرهای بسیاری ساختند و گسترش دادند که نشان و بقایای برخی از آنها به ما رسیده است. یکی از محوطه‌های تاریخی ساسانیْ منطقهٔ پاکوه نایین، به‌ویژه مجموعهٔ بناهای ساسانی شیرکوه ــ در نزدیکی روستای سَپَرو، از روستاهای نایین ــ است. نگارنده در سمت سرپرست هیئت باستان‌شناسی، اخیراً این منطقه را بررسی و مطالعه کرده است. در این مقاله، برخی از این یافته‌ها بیان می‌شود.

وضع ویژهٔ آب‌وهوایی نایین، غنای آثار دوران اسلامی، و چشم‌گیری معماری تاریخی همساز با اقلیم در این منطقه موجب شده است بناهای پیش از اسلام نایین، از جمله آثار ساسانی شیرکوه، از چشم محققان پنهان بماند و دست‌کم گزارشی مدون دربارهٔ آنها در مجامع و مطبوعات علمی مطرح نشود.

۱. شیرکوه

شیرکوه به محدوده‌ای در ۳۷ کیلومتری شمال غرب نایین و ۴ کیلومتری غرب روستای سپرو اطلاق می‌شود (ت۱) که شامل سه چشمهٔ آب نیمه‌خشک و چندین زمین کشاورزی و تامین‌کنندهٔ آب شرب این روستا است. محوطهٔ تاریخی شیرکوه در قلب محدودهٔ مذکور قرار دارد. این محوطه با ارتفاعات شیرکوه در شمال و تپه‌ماهورهای منفرد در جنوب محصور شده است. اگرچه ارتفاعات جنوبی بلند نیست، حایلی طبیعی است که محوطه را استتار می‌کند (ت۲). مهمترین ساخته‌ها در این محوطه چهارطاقی و قلعه و صفه است.

۲. چهارطاقی[2]

این چهارطاقی پلانی نزدیک به مربع در ابعاد میانگین ۹۷۰×۹۷۰س‌م (با حدود ۱۰س‌م اختلاف) و گنبدی شلجمی‌شکل دارد. بنا را با قلوه‌سنگ غرقه در ملاط و با اندود گچ ساخته‌اند (ت۳). منطقهٔ گذار بین پایه و گنبد متشکل از فیل‌پوشهایی با تزیین گچیِ سه‌خطی است. چهار گوشهٔ بالای پایهٔ چهارطاقی پخهایی دارد. به نظر نگارنده، این پخها نقش سازه‌ای ندارد و آنها را بدین منظور ایجاد کرده‌اند تا تبدیل پایه به گنبد در حجم بیرونی

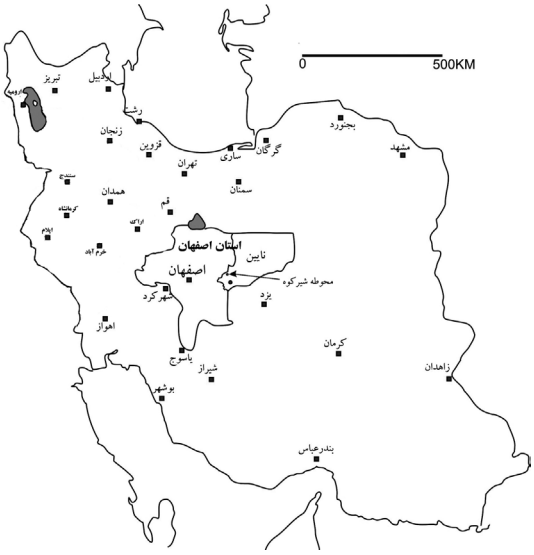

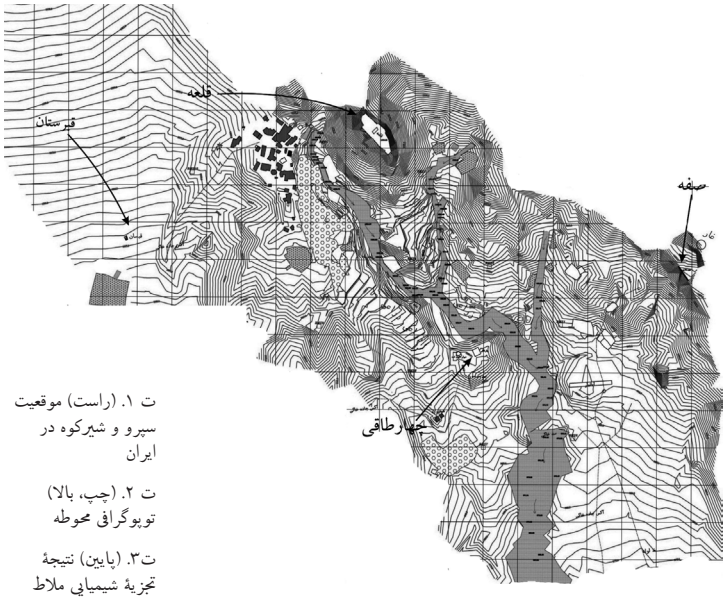

ت ۱. (راست) موقعیت سپرو و شیرکوه در ایران

ت ۲. (چپ، بالا) توپوگرافی محوطه

ت۳. (پایین) نتیجهٔ تجزیهٔ شیمیایی ملاط چهارطاقی شیرکوه. مأخذ: رکسانا جبل‌عاملی، «گزارش آنالیز ملاطهای چهار بنای دوره ساسانی»

CL%	SO4%	SO3%	MgO%	CaO%	R2O3%	SiO2% و ناخالصیها
۸/۸۸	۴۱/۵	۳۴/۵۴	۰/۸	۳۳/۶	۱/۳۵	۳/۱۴

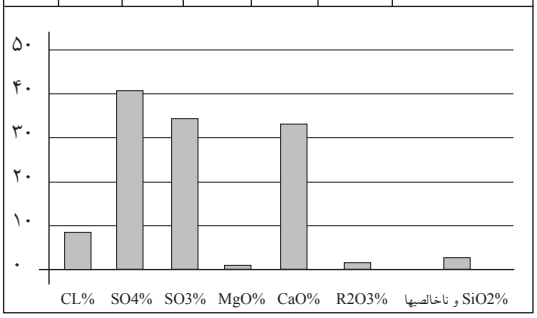

بنا نیز به‌نرمی و زیبایی صورت گیرد. همین شگردها و ظریف‌کاریها در منطقهٔ گذار بین پایهٔ چهارگوش و گنبد مدور بود که بعدها در دوران اسلامی صورتهای ظریف‌تر و زیباتری یافت. نوعی از آن، پایهٔ هشت‌گوش زیر گنبد است (ت۴-۶).

در محوطه، در جنوب و غرب چهارطاقی، پشته‌ای است که شاید بقایای دیوار خشتی عظیمی باشد که چهارطاقی را احاطه می‌کرده است. ابعاد خشتها ظاهراً در حدود ۳۰×۴۰سم بوده است.

طرز استقرار چهارطاقی چنان است که از مرکز آن می‌توان قلعه و صفه را به‌آسانی مشاهده کرد. از اینجا معلوم می‌شود که این سه بنا با هم ارتباطی سنجیده داشته‌اند. با توجه به اینکه چهار طاقی از دو سو با دیوار خشتی و از دو سوی دیگر با مسیل محصور شده است، می‌توان آن را در زمرهٔ چهارطاقیهای مرکب قرار داد. بر همین مبنا، ممکن است در حفاریها فضاهای دیگر این مجموعه نیز کشف شود. مشخصات سفالینه‌های یافته در پیرامون چهارطاقی نیز اهمیت آن را تأیید می‌کند.

۳. قلعه

این قلعه در شمال محوطه بر فراز کوهی قرار دارد. چون قلعه را هماهنگ با سطح طبیعی کوه بنا کرده‌اند، صورتی نامنظم گرفته است. این بنا را نیز، مانند چهارطاقی، از قلوه‌سنگ و ملاط گچ و اندود گچ ساخته‌اند (ت ۷). در ضلع جنوبی آن، سه پیشتیبان هلالی‌شکل هست، که با توجه به شیب کوه، احتمالاً آنها را برای جلوگیری از رانش دیوار ایجاد کرده‌اند. باروی قلعه، جز در قسمتی از ضلع شمالی، برجاست. به همین سبب، شاید ورودی قلعه در همین قسمت بوده باشد، که امروز نشانی از آن نیست.

تأسیسات داخلی قلعه، به جز در مرکز، به پشته‌هایی کوچک تبدیل شده و در برخی از این پشته‌ها، بر اثر حفاریهای غیرمجاز، آثار ساخت‌وساز عیان شده است. در مرکز قلعه، بنایی مستطیل‌شکل به ابعاد ۲×۸م در جهت شمال شرقی- جنوب غربی (عمود بر محور اصلی قلعه)، ساخته از سنگ و گچ، قرار دارد. در ضلع جنوبی آن، دو سردر با ابعاد متفاوت، و قرینهٔ آنها در ضلع شمالی تعبیه شده است. هر دو سردر طاق هلالی دارند. ابعاد سردر بزرگ‌تر ۱/۵×۳م است و در قسمت نعل درگاهش تورفتگی دارد. سردر کوچک‌تر ابعاد ۰/۵×۲م دارد و ناحیهٔ پاطاق آن عقب نشسته است. داخل و خارج بنا را

ت ۴-۶. چهارطاقی

گچ‌اندود کرده‌اند و در قسمت باقی‌ماندهٔ نمای گچی بیرون بنا ردّ انگشتان گچ‌کار به صورت مورب بر گچ دیده می‌شود.[۳] در دوران پیش از اسلام و صدر اسلام از این فن (دست کشیدن بر اندود) برای تحکیم پیوند بین دو لایهٔ اندود استفاده می‌کردند. طاق به شیوهٔ هلالی اجرا شده و بیش از ۶۰٪ آن فروریخته است. در قسمت باقی‌ماندهٔ آن داغ تزیینات فروریخته‌ای دیده می‌شود. با توجه به شکل و سیاق این داغ، احتمال دارد که روکشی تزیینی (قطعاتی مستطیل‌شکل) از گچ این بنا را مزین می‌کرده است. در قسمت بالای دیوار، در محل پاطاق، با گچ قرنیزی ساخته‌اند که اثر بسیاری در تفکیک بصری طاق از دیوار دارد. در قسمت شمالی دو دیوار طولی، دو طاقچهٔ قرینه، با مقطع مثلث و نمای مستطیل و سطح گچ‌اندود، تعبیه شده است.

در قسمتی از بدنهٔ شرقی بارو بقایای تعدادی مَزغَل (روزن کمین و تیراندازی) در دو ردیف وجود دارد. احتمالاً در اطراف حصار قلعه نیز مزغلهایی بوده که به‌مرور با تخریب قسمتهای بالای بارو از بین رفته است. با توجه به ارتفاع مزغلها، به نظر می رسد ساخت‌وسازهای داخلی قلعه در این قسمت دوطبقه بوده، که اکنون تل خاکی بیش نیست.

در نیمهٔ شمالی قلعه، بقایای سه نوع دیوارچینی در کنار هم دیده می شود، که قسمتی از آنها بر اثر حفاری غیرمجاز نمایان شده است: ۱) دیوار سنگی قلعه با ملاط گچ و اندود گچ؛ ۲) دیوار خشتی با ملاط گل؛ ۳) دیواری با آجر سرخ‌رنگ و ملاط گچ. با توجه به ترتیب قرار گرفتن سه دیوار پیش‌گفته، به نظر می‌رسد توالی ساخت هر سه دیوار از قدیم‌تر به جدیدتر به همین ترتیبی باشد که یاد شد (ت۸ و ۹).

شواهد و مدارک موجود بر قدمت ساسانی قلعه صحه می‌گذارد؛ اما قطعاً در دوره‌های بعد از ساخت قلعه بناهایی به آن افزوده‌اند. مرحلهٔ اولِ دگرگونیْ ساختن دیوار خشتی در جوار باروی سنگی قلعه است. با اطلاعات فعلی نمی‌توان تاریخ دقیق این مرحله را تعیین کرد؛ اما دامنهٔ تاریخ آن احتمالاً بین دورهٔ ساسانی و دورهٔ ایلخانان است. مرحلهٔ دومْ ساختن دیواری با آجر سرخ‌رنگ در کنار دو دیوار پیشین است. احتمالاً این کار در دورهٔ ایلخانی صورت گرفته است.

در این تحولات، اولاً حصار قلعه تغییر نیافته و احتمالاً

CL%	SO4%	SO3%	MgO%	CaO%	R2O3%	SiO2% و ناخالصیها
۰/۹۳	۵۲/۴۱	۴۳/۶	۰	۲۷	۱/۳۵	۴/۸۲

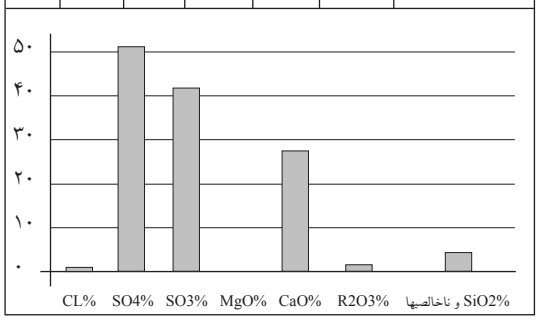

به مرمت آن اکتفا کرده‌اند؛ ثانیاً بنای مرکزی قلعه نیز بی‌تصرف مانده است.

با آنچه تا کنون می‌دانیم، دربارهٔ کارکرد قلعه نمی‌توان نظری قاطع داد؛ اما با توجه به مزغلها، می‌توان احتمال داد که کارکرد اصلی قلعه دفاعی بوده است؛ با این توضیح:

الف) مزغلها را در ضلع شرقی، یعنی در همان ضلعی ساخته‌اند که سردر قلعه قرار دارد، تا بتوانند از ورودی قلعه حفاظت کنند.

ب) فضای داخل قلعه و بناهای موجود آن محدود است و مقاومت و دفاع از قلعه در تهاجمها و محاصره‌های طولانی ممکن نیست.

ج) قلعه گنجایش جمعیت بسیار را ندارد. بنا بر این، مکان حصار گرفتن مردم عادی در هنگام جنگ و حصر نبوده است.

پیداست که اطمینان یافتن از این حدسیات به تحقیقهای بیشتر نیاز دارد.

۴. صفه

این صفه را با قلوه‌سنگ در دامنهٔ جنوبی کوه ساخته‌اند. مکان صفه را چنان انتخاب کرده‌اند که شیبی ملایم‌تر از نقاط هم‌تراز آن در دامنه دارد. دیوارهٔ سنگی صفه در مرتفع‌ترین نقطه در حدود ۵م بلندی دارد. متأسفانه بناهایی که بر روی صفه بوده یکسره ویران شده و تلهایی از آنها مانده است. از بررسی سطحی صفه و نیز قسمتهایی که بر اثر حفاری غیرمجاز آشکار شده است می‌توان گفت که بناهای صفه را از خشت و گل، با سقف هلالی به شیوهٔ ساسانی ساخته بوده‌اند (ت۱۰).

با تأمل در بقایای بناها، با توجه به بالاترین نقطهٔ سنگ‌چین صفه و نقطهٔ شروع طاق مزبور، چنین می‌نماید که قسمتی از دیوار سنگ‌چین حصار بناهای روی صفه بوده است. قضاوت دربارهٔ زمان ساخت صفه و بناهای خشتی روی آن و نیز چگونگی ارتباط بین آنها منوط به کاوشهای باستان‌شناختی است.

چون چیزی از خشتهای بیرونی بناها سالم نمانده است، نمی‌توان ابعاد آنها را بدون حفاری را به‌دست آورد؛ اما از شواهد می‌توان حدس زد که خشتها از نوع خشتهای بزرگ رایج در معماری پیش از اسلام بوده است. با استناد به بقایای گچی پاطاق موجود نیز می‌توان حدس زد که اندود داخلی بناها گچ و ملاط آن گل بوده است.

نظر به اینکه مدارک سطحی صفه بسیار اندک است،

ت۷. (راست) تجزیهٔ شیمیایی ملاط قلعهٔ شیرکوه. مأخذ: جبل‌عاملی، همان

ت۹-۸. قلعه

ت۱۰. صفه

دربارهٔ کارکرد صفه و بناهایش نمی‌توان نظر قطعی داد. صفه بر چهارطاقی و محوطهٔ پیرامون آن مشرف است؛ اما چون از سمت ارتفاعات واقع در سوی آن قابل نفوذ است، کارکرد دفاعی نداشته است.

حاصل سخن

شواهد و مدارک باستان‌شناختی بی‌تردید بر وجود جامعه‌ای دینی- نظامی در دورهٔ ساسانیان در منطقهٔ شیرکوه گواهی می‌دهد. چهارطاقی به منزلهٔ نمادی دینی و قلعه به منزلهٔ نمادی نظامی، البته با عنایت به محدودیتهای آن که پیش از این بیان شد، از استقرار جامعه‌ای مبتنی بر دین و با تدابیر دفاعی حکایت می‌کند. هرچند بررسی مسیر شکل‌گیری و توسعه و اضمحلال این جامعه نیازمند جستجوی باستان‌شناختی گسترده‌ای است؛ می‌توان برخی از مصادیق متجلی در آثار معماری را بدین گونه تفسیر کرد:

تجزیهٔ ملاط به‌کاررفته در بنای قلعه و چهارطاقی گویای قرابت ترکیب ملاط در این دو بناست. از اینجا می‌توان حدس زد که اولاً زمان ساخت این دو بنا نزدیک بوده است و اختلاف سن آنها قابل اغماض است؛ ثانیاً مردمان منطقه در طی زمانی طولانی برای ساختن ملاط بناهای‌شان از معدن خاک معینی استفاده می‌کردند و در این باره تجربه اندوخته بودند.

موقعیت قرارگیری دو بنای مذکور و صفه چنان است که هریک از بناها بر دیگری کاملاً مشرف است. از این رو، احتمال دارد که اولاً مجموعه بناهای محوطه شیرکوه را بر اساس نقشهٔ مهندسی ساخته باشند؛ ثانیاً همهٔ مجموعه را در مدتی کوتاه ساخته باشند.

استفاده از سنگ لاشه در ساخت بناها نشان رایج نبودن هنر حجاری در معماری منطقه، یا شاید بازتابی از طرز نگرش به معماری، قابلیت صنعتی، توانایی اقتصادی جامعه، و کارکرد بنا باشد. استفاده از سنگ نشان می‌دهد که استواری سازه‌ای بناها بسیار مهم بوده است. نوع مصالح، شیوهٔ اجرا، ضخامت جرزها، و تدابیر مقاوم‌سازی (ایجاد پشتیبان) نیز مؤید همین است.

در ساخت بناهای داخلی قلعه و صفه و حصار چهارطاقی از خشت و گل استفاده کرده‌اند. بنای مرکزی قلعه تنها بنای قلعه است که آن را با سنگ ساخته‌اند. این کیفیت نشان اهمیت و اعتبار آن است، که با ایجاد قرنیز و تونشستگی طاق سردرها و تزیینات بر آن تأکید شده است. بر این اساس و نیز محدودیت فضای این بنا، احتمال می‌دهیم که این بنا کارکرد دینی داشته است.

منطقهٔ نایین در دورهٔ ساسانیان اهمیتی ویژه داشته است. مؤید آن وجود سه چهارطاقی مهم در این منطقه است. متأسفانه مورخان و جهانگردان پیشین، و حتی مورخان و باستان‌شناسان امروز، به آن بی‌مهری کرده‌اند.□

کتاب‌نامه

جبل‌عاملی، رکسانا. *گزارش آنالیز ملاطهای چهار بنای دورهٔ ساسانی*، اصفهان، سازمان میراث فرهنگی ، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان، ۱۳۸۶، منتشرنشده.

جعفری زند، علیرضا، *اصفهان پیش از اسلام*، انتشارات آن، تهران، ۱۳۸۱.

پی نوشتها:

۱. کارشناس باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان اصفهان

۲. چهارطاقی محوطهٔ شیرکوه در بهمن ماه ۱۳۸۱ش به شمارهٔ ۷۲۲۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسید.

۳. نمونه مشابه این فن را نگارنده در قلعهٔ بزی مبارکه متعلق به دورهٔ ساسانیان و قلعهٔ دیو اصفهان، احتمالاً ساسانی، مشاهده کرده است. شایان ذکر است که قلعهٔ بزی در محدودهٔ شهر مبارکه و در جوار روستای حسن‌آباد واقع است، که در کاوشهای آقای محسن جاوری در سال ۱۳۸۳ش در نزدیکی این قلعه دو غار و یک پناهگاه سنگی متعلق به دوره موستری (۶۰۰۰۰ سال قبل) کشف شد. شاه‌دز یا قلعهٔ دیو بر فراز کوه صفه در جنوب شهر اصفهان قرار دارد. این قلعه، بر اساس شواهد معماری و باستان‌شناختی، متعلق به دورهٔ ساسانیان است. در دوران اسلامی، به‌ویژه اسماعیلیان به‌کرات از آن استفاده کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر، نک: جعفری زند، *اصفهان پیش از اسلام*.